

بررسی تأثیر متغیرهای جمعیت‌شناختی بر سرمایه فرهنگی در بین شهروندان خراسان شمالی

علی عاقل^۱

علی اصغر عباسی^۲

ابوالقاسم حیدرآبادی^۳

نوع مقاله: علمی - پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۳

شماره صفحه: ۹۱-۱۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۲۸

چکیده

هدف از انجام پژوهش حاضر، بررسی تأثیر متغیرهای جمعیت‌شناختی بر سرمایه فرهنگی است. روش این پژوهش، پیمایش و ابزار گردآوری داده‌ها، پرسشنامه استاندارد بوردیو می‌باشد. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل کلیه شهروندان ۱۸ سال به بالای ساکن شهرهای بجنورد، اسفراین و شیروان است. در این پژوهش برای تعیین حجم نمونه، از جدول مورگان استفاده شده است که با توجه به محاسبات انجام شده طبق این جدول، حجم نمونه به دست آمده، برابر ۴۱۲ می‌باشد. روش نمونه‌گیری در پژوهش فوق، روش نمونه‌گیری هدفمند و تلفیقی است که شامل شیوه نمونه‌گیری طبقه‌ای برحسب معیارهای جمعیت‌شناختی، تصادفی ساده و خوشه‌ای چندمرحله‌ای است. برای سنجش متغیر سرمایه فرهنگی از پرسشنامه استاندارد بوردیو استفاده شد. در این تحقیق از اعتبار صوری و محتوایی برای تعیین روایی تحقیق استفاده شده است. همچنین ضریب

۱. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی فرهنگی، واحد بابل، دانشگاه آزاد اسلامی، بابل، ایران

a.aqe11352@gmail.com

asfajir@hotmail.com

ashahin2000@yahoo.com

۲. دانشیار جامعه‌شناسی، واحد بابل، دانشگاه آزاد اسلامی، بابل، ایران، نویسنده مسؤول

۳. استادیار جامعه‌شناسی، واحد بابل، دانشگاه آزاد اسلامی، بابل، ایران

آلفای کرونباخ گویه‌های مربوط به ابعاد سرمایه فرهنگی ۰/۹۳ می‌باشد که نشان‌دهنده همبستگی درونی بالای گویه‌ها در این پرسشنامه است. داده‌ها به کمک نرم‌افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌است. با توجه به میانگین به‌دست‌آمده (۳/۴۱) می‌توان بدین نتیجه رسید که ابعاد سرمایه فرهنگی در بین شهروندان سه شهرستان بجنورد، اسفراین و شیروان در سطح بالایی قرار دارد. نتایج آزمون پیرسون برای سنجش رابطه گروه سنی و سرمایه فرهنگی و ابعاد آن نشان داد که بین سن و دو بُعد سرمایه فرهنگی تجسم‌یافته و عینیت‌یافته، رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. می‌توان گفت بین متغیر پایگاه اقتصادی - اجتماعی با سرمایه فرهنگی و دو بُعد سرمایه فرهنگی عینیت‌یافته و نهادینه شده ساکنان حاشیه شهرهای بجنورد، اسفراین و شیروان رابطه معناداری وجود دارد؛ بدین معنا که میزان سرمایه فرهنگی عینیت‌یافته و نهادینه‌شده در بین افراد مورد مطالعه، متأثر از پایگاه اقتصادی - اجتماعی آن‌ها است. با استناد به یافته‌های موجود می‌توان گفت بین جنسیت و قومیت با سرمایه فرهنگی از لحاظ آماری رابطه معناداری وجود ندارد.

واژگان کلیدی: سرمایه فرهنگی، پایگاه اقتصادی - اجتماعی، متغیرهای جمعیت‌شناختی

مقدمه و بیان مسأله

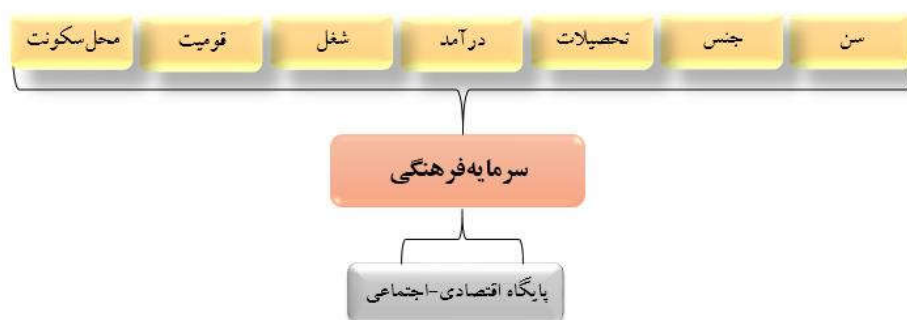
برای مدت‌هایی مدید، نگرشی تک‌بُعدی بر مطالعات سرمایه حاکم بود و سرمایه با سرمایه اقتصادی مترادف در نظر گرفته می‌شد، اما با افزایش دانش بشری، رفته‌رفته، این نگرش تک‌بُعدی به حاشیه رانده شد؛ چنان‌که سرمایه را پدیده‌ای دارای پیچیدگی علی دانسته‌اند که برای حصول به آن می‌بایست مجموعه‌ای از علل در کنار یکدیگر قرار گیرند. از این دیدگاه تأکید بر متغیرهای صرفاً اقتصادی و یا سیاسی و توجه صرف به یکی از ابعاد سرمایه لزوماً به افزایش توانایی سیستم اجتماعی در مواجهه با پیچیدگی‌های محیطی منجر نخواهد شد و حتی در مواردی اتخاذ این نگرش تک‌بُعدی می‌تواند سیستم را در مواجهه با پیچیدگی‌های محیطی آسیب‌پذیرتر کند. افزایش دانش بشری در زمینه ابعاد مختلف سرمایه و لزوم نگرستن به آن به مثابه مجموعه‌ای

علی، اندیشمندان را بر آن داشت که از سرمایه اقتصادی فراتر روند و به مفاهیمی چون سرمایه سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و ... بیندیشند (فاضلی و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۶۲). از چند دهه قبل، تغییری انقلابی در مفهوم سرمایه به وجود آمده و مفهوم سرمایه‌های جدید مطرح شد است؛ یکی از معروف‌ترین این سرمایه‌های جدید که امروزه بسیار از آن سخن گفته می‌شود؛ سرمایه فرهنگی است. به جهت اهمیت و گستردگی این نوع سرمایه در عصر حاضر، بسیاری از پژوهشگران و نظریه‌پردازان اجتماعی از آن به عنوان منبع بسیار مهمی در تعیین ساختارهای اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی یاد کرده‌اند (فائق و باینگانی، ۱۳۹۵: ۱۲۸). مصرف کالاهای اقتصادی و فرهنگی یکی از مهم‌ترین ابعاد مصرف را در جوامع نوین تشکیل می‌دهد؛ به طوری که امروزه واژه کالا علاوه بر اشاره به موضوعات مادی مانند پوشاک، خوراک و ... برای اشاره به موضوعات غیرمادی مانند کتاب، روزنامه، فیلم و ... نیز به کار می‌رود و از همین روست که استفاده از کالاهای تولیدشده نظام فرهنگی از قبیل کتاب، موسیقی، روزنامه، مجلات و ... را مصرف فرهنگی می‌گویند (فاضلی، ۱۳۸۲: ۳۶). از طرفی سرمایه فرهنگی مجموعه‌ای از روابط، معلومات و امتیازات است که فرد، برای حفظ کردن یا به دست آوردن یک موقعیت اجتماعی از آن استفاده می‌کند. به عبارت دیگر، سرمایه فرهنگی به طور دائمی در قلمرو امکانات یک قشر، گروه، طایفه یا قبیله است. از نظر بوردیو^۱، اصطلاح سرمایه فرهنگی در قیاس با سرمایه اقتصادی مورد پژوهش قرار می‌گیرد. کسب سرمایه فرهنگی زمان می‌خواهد و به امکانات مالی و مادی نیاز دارد. سرمایه فرهنگی از این بابت به نحوی تنگاتنگ به سرمایه اقتصادی گره خورده است (صالحی‌امیری، ۱۳۸۶: ۲۸). به عبارتی بهتر، اصطلاح سرمایه فرهنگی بازنمای کلی پیشینه تحصیلاتی خانوادگی، عادت‌واره‌ها، ترجیحات و کردارهای زیبایی‌شناسانه طبقات و خرده‌طبقات موجود در ساختار اجتماعی، با تمرکز بر داشتن یا نداشتن سلیقه اشکال هنری متعالی (موسیقی، تئاتر، نقاشی و ادبیات) تعریف می‌شود و به همین دلیل هر طبقه از الگوی منحصر به فردی از ذائقه برخوردار می‌گردد که با ترکیب خاصی از سرمایه اقتصادی و فرهنگی هماهنگ است (Weininger & Lareau, 2006: 26). با توجه به

1. Bourdieu

رواج مصرف کالاهای فرهنگی در چند دهه اخیر، مطالعه و تفحص درباره این نوع سرمایه افزایش یافت. هرچند نظریه پردازان مشهوری در حوزه سرمایه فرهنگی وجود دارند؛ مهم‌ترین نظریه، مربوط به بورديو است که از چهار نوع سرمایه سخن می‌گوید؛ سرمایه فرهنگی قابل تأمل‌ترین نظریه اوست که به سه بُعد سرمایه فرهنگی تجسم‌یافته، عینیت‌یافته و نهادینه‌شده تقسیم می‌شود. این نوع سرمایه شامل مهارت، مالکیت وسایل هنری و مدارج علمی و تحصیلی است که رابطه تنگاتنگی با طبقه اقتصادی و درآمد افراد دارد. باتوجه به جامعه آماری پژوهش که شامل حاشیه‌نشینان شهرهای بجنورد، اسفراین و شیروان است و در آن منطقه وضعیت اقتصادی در سطح مطلوبی نیست؛ ضرورت پرداختن به سرمایه فرهنگی به‌عنوان یک سرمایه فراگیر و تأثیرگذار بر ابعاد مختلف زندگی، ضروری می‌نماید. علاوه بر شرح متغیر سرمایه فرهنگی و شاخص‌های آن، لازم است به مختصات و موقعیت توپوگرافی استان، پرداخته شود تا ضرورت پرداختن به این مسأله در شهرهای مورد مطالعه نمایان گردد. استان خراسان شمالی با مساحتی در حدود ۲۸۴۳۴ کیلومترمربع، ۱/۷٪ از مساحت کل کشور و براساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سال ۱۳۹۵، تقریباً ۱/۰۸٪ از جمعیت کل کشور را به خود اختصاص داده‌است که به دلیل ویژگی‌های طبیعی مناسب، محل سکونت اقوام گوناگون در دوران‌های مختلف تاریخی بوده‌است. خراسان شمالی به دلیل مهاجرت افراد و درهم‌آمیختن با جمعیت بومی منطقه، علاوه بر آمیختگی نژادی و فرهنگی هنوز هم نشانه‌هایی از تفاوت‌های قومی، نژادی و زبانی در این شهر وجود دارد. سکونت اقوام مختلف نظیر ترک، فارس، گُرد، عرب، ترکمن، بلوچ، کردهای کرمانج و... این قسمت از کشور را به صورت منطقه‌ای منحصربه‌فرد درآورده است که هر قوم با آداب و رسوم خاص خود ولی در کنار یکدیگر زندگی می‌کنند. با توجه به اینکه جمعیت مهاجر از مناطق روستایی غالباً دارای سرمایه فرهنگی اندک و متمایز از مناطق شهری است، مسئله ناسازگاری فرهنگی این گروه از جمعیت با ساکنان شهرها را در پی دارد که از پیامدهای آن می‌توان به تضاد فرهنگی، ناهنجاری‌های اجتماعی و به تبع آن گسترش جرائم و ناامنی اجتماعی در مناطق حاشیه شهرها اشاره کرد. نابرابری شدید در توزیع سرمایه فرهنگی می‌تواند پیامدهای نامطلوبی برای جامعه

بوژه مناطق مختلف شهر داشته باشد. سرمایه فرهنگی قدرت شناخت و قابلیت استفاده از کالاهای فرهنگی در هر فرد و دربرگیرنده تمایلات پایدار فرد است که در خلال اجتماعی‌شدن در افراد، بر اساس سه بُعد (ذهنی، عینی و نهادی) انباشته می‌شود. بنابراین این پژوهش در صدد بررسی تأثیر متغیرهای جمعیت‌شناختی و به‌طورکلی توصیف وضعیت سرمایه فرهنگی در بین حاشیه‌نشینان بجنورد، اسفراین و شیروان، بر حسب سن، جنسیت، قومیت، شهر محل سکونت و همچنین پایگاه اقتصادی-اجتماعی است. در نهایت سؤال اصلی پژوهش حاضر که هدف اصلی ماست، این است که آیا متغیرهایی نظیر سن، جنسیت، قومیت، شهر محل سکونت و پایگاه اقتصادی-اجتماعی تا چه حد بر میزان سرمایه فرهنگی پاسخگویان تأثیرگذار خواهد بود؟



نمودار (۱) مدل مفهومی تحقیق (نگارندگان: ۱۳۹۹)

پیشینه پژوهش

ازجمله تحقیقات انجام‌گرفته در این حوزه می‌توان به پژوهش جبّاری با عنوان "بررسی رابطه سرمایه فرهنگی و سرمایه اجتماعی با احساس امنیت زنان شهر سمنان" (۱۳۹۸) اشاره کرد که بین ۳۸۴ نفر از زنان ۲۰-۶۴ ساله سمنان انجام داده‌است. نتایج حاکی از آن بود که احساس امنیت اجتماعی زنان شهر سمنان در حد متوسطی قرار دارد. همچنین نتایج آزمون‌ها نشان داد که بین سرمایه فرهنگی و سرمایه اجتماعی با احساس امنیت اجتماعی، رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد. در پژوهشی که توسط حسنوند تحت عنوان "رابطه بین سرمایه اجتماعی- فرهنگی

و احساس امنیت در بین زنان شهرستان خرم‌آباد" (۱۳۹۷) به روش پیمایشی و بین ۴۲۵ نفر از زنان شهر خرم‌آباد انجام شد؛ نتایج حاکی از آن بود که بین احساس امنیت و متغیرهای تحصیلات، شغل و محل سکونت رابطه معناداری وجود دارد. همچنین از این پژوهش رابطه معناداری بین سرمایه اجتماعی و فرهنگی و مقوله احساس امنیت استخراج شد. در تحقیقی که حاجی‌زاده و رضوی دینانی به "بررسی مصرف کالاهای فرهنگی و عوامل مؤثر بر آن" (۱۳۹۵) در بین ۳۸۲ نفر از جوانان ۱۸-۲۹ ساله شهرستان خوی پرداختند؛ یافته‌ها نشان داد که میان سن و تحصیلات با مصرف کالاهای فرهنگی رابطه وجود دارد؛ به طوری که میزان مصرف کالاهای فرهنگی در سنین ۲۶ تا ۲۹ سال به طور معنی‌داری بیشتر از ۱۸ تا ۲۱ سال است. همچنین نتایج نشان داد متغیرهایی همچون جنسیت، وضعیت تأهل و درآمد، تأثیری بر میزان مصرف کالاهای فرهنگی نداشتند. فائق و باینگانی در پژوهشی با عنوان "سنجش سرمایه فرهنگی براساس پایگاه اقتصادی- اجتماعی" (۱۳۹۵) که بین ۴۰۰ نفر از شهروندان ۲۰-۶۴ ساله شهر اصفهان انجام دادند؛ به این نتیجه دست‌یافتند که میزان سرمایه فرهنگی در میان طبقات اجتماعی، متفاوت است. بنابراین می‌توان گفت بین پایگاه اقتصادی- اجتماعی با سرمایه فرهنگی رابطه معناداری وجود دارد و پایگاه اقتصادی- اجتماعی بیشترین تبیین‌کنندگی را بر بُعد نهادینه‌شده سرمایه فرهنگی دارد.

گاورلیوک و گاورلیوک (Gavereliuc, & Gavereliuc, 2014) پژوهشی با عنوان "سرمایه نمادین و ابعاد سرمایه فرهنگی برای سازمان‌های آموزشی رومانیایی" انجام دادند. در این تحقیق به سرمایه نمادین به‌عنوان موتور ژنراتور ایجادکننده الگوهای باز در محیط آموزشی اشاره دارد و به بررسی مشکلات فکری و رفتاری نظام آموزشی غرب رومانیایی می‌پردازد و برای آن راه حل فکری و عملی ارائه می‌دهد و سرمایه نمادین را به عنوان تئوری نوسازی رابطه‌هایی برای بهبود نظام آموزشی کشور، پیشنهاد می‌دهد که ریشه در نگرش‌های اجتماعی و تاریخ فرهنگی کشور دارد. همچنین خواجه و موافی (Khawaja, Mowafi, 2006) در پژوهش خود به بررسی رابطه سرمایه فرهنگی با سلامت روانی- اجتماعی در بین زنان فقیر و متاهل شهر لبنان پرداختند. نتایج

آمار استنباطی حاکی از آن بود که سرمایه فرهنگی، پیش‌بینی‌کننده قوی و معناداری برای متغیر سلامت عمومی و روانی در میان زنان ساکن منطقه فقیرنشین شهری بود. مرور مطالعات انجام‌شده داخلی و خارجی نشان می‌دهد در پژوهش‌های پیشین سرمایه فرهنگی، متغیری مستقل و تأثیرگذار بوده است و در اکثر مطالعات بر متغیرهای دیگر همچون سلامت عمومی- روانی، سرمایه اجتماعی و احساس امنیت اثرگذار بوده‌است. همچنین در اغلب پژوهش‌ها به بررسی رابطه پایگاه اقتصادی-اجتماعی با سرمایه فرهنگی پرداخته شده‌است. وجه تمایز و نوآوری پژوهش حاضر از این حیث است که سرمایه فرهنگی به‌عنوان متغیر وابسته و تأثیرپذیر مورد سنجش قرار گرفته‌است و همچنین به بررسی رابطه پایگاه اقتصادی-اجتماعی با سه بُعد سرمایه فرهنگی تجسم‌یافته، عینیت‌یافته و نهادینه‌شده به تفکیک پرداخته شده است. علاوه‌بر آن، جامعه آماری پژوهش و بررسی وضعیت سرمایه فرهنگی در بین حاشیه‌نشینان از دیگر مزایای مقاله حاضر می‌باشد.

مبانی نظری و چارچوب پژوهش

سرمایه فرهنگی از دیدگاه پیر بوردیو

هدف این پژوهش بررسی سرمایه فرهنگی و شاخص‌های آن می‌باشد. به اعتقاد بوردیو (۱۹۸۴)، ساختار اجتماعی هر جامعه سرمایه‌داری پیشرفته‌ای، موقعیت‌های اجتماعی را که به گونه‌ای افقی و سلسله‌مراتبی متمایز است، تعیین می‌کند. بوردیو در مقاله اشکال سرمایه از سه نوع سرمایه اصلی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نام می‌برد و برای آن‌ها از سایر سرمایه‌ها ارزش بیشتری قائل می‌شود. از نظر بوردیو سرمایه فرهنگی در فضای اجتماعی معنا پیدا می‌کند و این فضاهای اجتماعی باهم متفاوتند؛ که به تبع هنجارها، ارزش‌ها و اشکال قدرت متفاوتی وجود دارد. در فضای اجتماعی، عاملان بیشتر بر پایه شعور عملی رفتار می‌کنند. در نتیجه سلسله‌ای از کنش‌ها، تمایلات، گرایش‌های گوناگون به ذهن منتقل شده‌است که افراد از آن آگاه نیستند؛ که بوردیو به این تمایلات پایدار و طرحواره‌های ادراک و ارزش‌گذاری و کنش "عادتواره" می‌گوید. عادتواره

چیزی است که به افراد امکان می‌دهد که آن محیط اجتماعی‌ای را بپذیرند که متعلق به آن‌هاست و عاداتی را بپذیرند که با تعلق اجتماعی آنان سازگار است؛ به بیان بهتر می‌توان گفت که عادتواره در خلاء پدید نمی‌آید؛ بلکه رفتارهای عاملان به واسطه اموری درونی شکل می‌گیرد که بازتاب ساختارهای بیرونی‌اند. این ساختارهای بیرونی "میدان" نام دارند که شبکه‌های ارتباطی‌اند و جدای از آگاهی و اراده فردی هستند (Bourdieu, 1984: 460). مهم‌ترین میدان مورد تأکید بوردیو، میدان تولید فرهنگی است که در بررسی مصرف کالاهای فرهنگی بسیار راهگشا بوده‌است. میدان فضایی بین کنشگران است (بوردیو، ۱۳۹۳: ۶۸). میدان‌ها مدل‌های کوچک در درون فضای اجتماعی هستند که با عملکرد عادتواره پیوند می‌یابند. این عملکرد برای دستیابی به انواع سرمایه‌هاست. پس می‌توان گفت سرمایه همان چیزی است که به میدان وجود می‌بخشد و سرمایه باید وجود داشته باشد تا کشاکش برای دستیابی به آن در میدان رخ دهد. این کشاکش، بنیان سلطه را در میدان شکل می‌دهد (همان: ۸۴). ذائقه محصول منش‌ها و برآمده از شرایط ساختاری طبقاتی است (Bourdieu, 1984: 173). از دیدگاه بوردیو کسانی که در طبقه اجتماعی بالاتر جای داشته، بهتر توانسته‌اند ذائقه‌شان را به دیگران تحمیل کنند و با ذائقه طبقات پایین‌تر مخالفت کنند. او ذائقه را با ساختمان ذهنی نیز پیوند می‌دهد. به عقیده بوردیو میان محصولات فرهنگی و ذائقه، رابطه دوسویه دیالکتیکی وجود دارد. دگرگونی در کالاهای فرهنگی تغییرهایی را در ذائقه به بار می‌آورد؛ همچنان‌که دگرگونی در ذائقه به تغییر شکل‌های محصولات فرهنگی می‌انجامد (بوردیو، ۱۳۸۰: ۳۲-۳۵).

سرمایه فرهنگی از دیدگاه کالینز^۱

کالینز سرمایه فرهنگی را شامل منابعی نظیر مکالمات از پیش‌اندوخته در حافظه، شیوه زبانی، انواع خاص دانش و مهارت، حق ویژه تصمیم‌گیری و حق دریافت احترام می‌داند. به عبارتی، سرمایه فرهنگی نوع دیگر سرمایه است که در یک سازمان وجود دارد (مانند تحصیلات عالی به اعضای سازمان) که این نوع سرمایه نیز در برخی موارد و تحت شرایطی قابل تبدیل به سرمایه اقتصادی است. کالینز سرمایه فرهنگی را به سرمایه فرهنگی عام یا تعمیم‌یافته و سرمایه فرهنگی خاص تقسیم می‌کند. سرمایه فرهنگی عام، معادل نمادهای غیرشخصی و بیانگر منابع فرهنگی عموم طبقات و گروه‌ها در جامعه است. سرمایه فرهنگی خاص، مربوط به اندوخته‌های ذهنی افراد است و در هویت‌های فردی و شخصی تبلور یافته است (فاضلی، ۱۳۸۲: ۴۹).

سرمایه فرهنگی از دیدگاه دیوید تراسبی^۲

به اعتقاد تراسبی یکی از ابزارهای پرکردن شکاف میان علم اقتصاد و فرهنگ، مطرح کردن رهیافتی برای بازنمایی پدیده‌های فرهنگی است که ویژگی‌های ذاتی این پدیده‌ها را طوری در برمی‌گیرد که هم در گفتمان اقتصادی و هم در گفتمان گسترده‌تر فرهنگی قابل درک است. وی معتقد است که چنین ابزاری به وسیله مفهوم سرمایه فرهنگی فراهم می‌شود (تراسبی، ۱۳۹۱: ۶۷). تراسبی میان سرمایه معمولی تمایز قائل می‌شود و معتقد است که سرمایه فرهنگی هم ارزش فرهنگی می‌آفریند و هم ارزش اقتصادی؛ اما سرمایه معمولی، تنها ارزش اقتصادی می‌آفریند. از سوی دیگر وی معتقد است سرمایه فرهنگی به دو شکل ملموس و ناملموس می‌تواند وجود داشته باشد. تراسبی معتقد است ارزش اقتصادی یک دارایی می‌تواند تا حد زیادی به دلیل ارزش فرهنگی آن افزایش یابد. بنابراین میان این دو، رابطه‌ای علی برقرار است؛ ممکن است ارزش فرهنگی موجب ارزش اقتصادی شود. بنابراین، ممکن است یک بنای تاریخی ارزش فرهنگی

1. Collins

2. David Trasby

"خالص" را مطابق با یک یا تعداد بیشتری از معیارهای پیشنهادی قبلی مجسم کند و در عین حال به عنوان یک دارایی، واجد ارزش اقتصادی باشد که هم از محتوای فیزیکی آن ناشی شود و هم از محتوای فرهنگی آن؛ اما سرمایه فرهنگی ناملموس، رابطه متفاوتی میان ارزش فرهنگی و اقتصادی دارد؛ برای مثال موجودی (ذخیره) موسیقی و ادبیات، آداب و رسوم و عقاید، و زبان، ارزش فرهنگی زیادی دارند ولی هیچ‌گونه ارزش اقتصادی ندارند؛ زیرا نمی‌توانند به عنوان دارایی دادوستد شوند؛ مگر زمانی که حقوق مربوط به عایدات آتی خرید و فروش شود. در این جا هم، بخشی از ارزش اقتصادی چنین جریان‌هایی، در چارچوب‌هایی کاملاً فیزیکی یا مکانیکی قرار دارد؛ یعنی در قالب کالاهای عمومی که بنا به دلایل کاملاً اقتصادی تقاضا می‌شوند. این بررسی‌ها نشان می‌دهد که به احتمال زیاد میان ارزش فرهنگی و اقتصادی اقلام سرمایه فرهنگی همبستگی وجود دارد؛ اما این رابطه به هیچ وجه رابطه کاملی نیست. به نظر تراسبی سرمایه فرهنگی در جاهایی دیگر نیز کاربرد دارد؛ مثلاً در زبان عامیانه. این مفهوم عبارت است از اشاره به ادعاهای شهرهای گوناگون درباره برتری در جایگاه فرهنگی عام یا خاص. به نظر وی تثبیت‌شده‌ترین کاربرد مفهوم سرمایه فرهنگی، به احتمال زیاد در جامعه‌شناسی و مطالعات فرهنگی متأثر از بوردیو است که بعداً ایده‌هایش به حوزه‌های دیگری مثل نقد ادبی، اقتصاد-سیاسی و مردم‌شناسی و آموزش و پرورش گسترش یافته‌است. تراسبی در ادامه به اشتراکات میان سرمایه فرهنگی و طبیعی اشاره می‌کند؛ سرمایه فرهنگی مادی به‌ارث‌رسیده از گذشته را می‌توان دارای وجه اشتراکی با منابعی طبیعی دانست که آن‌ها نیز به‌عنوان نعمتی در اختیار ما هستند؛ منابع طبیعی حاصل بخشش طبیعت‌اند، سرمایه فرهنگی نیز حاصل فعالیت‌های خلاقانه بشر است که منحصر به فرد است (ابراهیمی و دیگران، ۱۳۹۶: ۳۲).

پژوهشگرانی همچون تراسبی، کالینز و بوردیو درباره سرمایه فرهنگی و شاخص‌های آن اظهار نظر کرده‌اند. بنابراین با استناد به نظریات پژوهش در یافتیم مرتبط‌ترین نظریه، نظریه سرمایه فرهنگی بوردیو است و برای سنجش میزان سرمایه فرهنگی آزمودنی‌ها، از پرسشنامه استاندارد بوردیو استفاده شد. از دیدگاه بوردیو سرمایه اقتصادی (ثروت)، سرمایه فرهنگی (دانش،

صلاحیت)، سرمایه نمادین (احترام، پرستیژ، افتخار) و سرمایه اجتماعی (پیوندهای اجتماعی و اعتماد) شکل‌های متنوعی از انواع سرمایه‌هاست (بوردیو، ۱۳۹۰: ۴۱۰). مهم‌ترین سرمایه‌ای که بوردیو از آن نام برد، سرمایه فرهنگی است که به سه بخش سرمایه فرهنگی تجسم‌یافته، عینیت-یافته و نهادینه‌شده تقسیم می‌شود که در ادامه، هریک از شاخص‌های سرمایه فرهنگی به تفکیک، تشریح می‌شود.

سرمایه فرهنگی تجسم‌یافته

این سرمایه با شخصی که در آن تجسم می‌یابد، ارتباط نزدیک دارد؛ در واقع، نوعی ثروت بیرونی است که به‌عنوان بخش جدایی‌ناپذیری از فرد درآمده‌است. این همان بخشی است که بوردیو آن را بعد سرمایه فرهنگی همراه با تولد می‌نامد که نمی‌توان آن را از راه هدیه، خرید و یا مبادله به دیگری منتقل کرد. این بعد سرمایه فرهنگی، توانایی بالقوه‌ای دارد که به تدریج، بخشی از وجود فرد شده و در او به تثبیت رسیده‌است که می‌تواند با سرمایه‌گذاری زمان، در شکل‌گیری یادگیری، افزایش یابد؛ بنابراین بعد سرمایه فرهنگی نمی‌تواند به طور آبی انتقال یابد (روح‌الامینی، ۱۳۹۵: ۳۴).

سرمایه فرهنگی عینیت‌یافته

این بعد از سرمایه فرهنگی که بیشتر در کالاها و اشیای مادی تجسم می‌یابد، از بدیهی‌ترین و آشکارترین نوع ابعاد سرمایه فرهنگی است که افراد جامعه می‌توانند از آن بهره‌مند شوند. این سرمایه به نوعی در شکل اقتصادی هم مطرح است؛ به‌طور خلاصه، به تمامی اشیای و کالاهای فرهنگی، سرمایه فرهنگی عینی می‌گویند؛ اما خصلت اساسی این سرمایه، در این است که اثر آموزشی بر، دارندگان آن می‌گذارد و قابل انتقال است.

سرمایه فرهنگی نهاده شده

لازمه این نوع سرمایه، وجود افراد با صلاحیت و مستعد، در جهت کسب انواع مدارک تحصیلی و دانشگاهی است؛ از طرف دیگر، وجود نهادهای رسمی است که این مدارک تحصیلی را صادر و به آن رسمیت ببخشند. از ویژگی‌های بارز این سرمایه، این است که به شکل پلی میان اقتصاد و فرهنگ عمل می‌کند و این توانایی را دارد که سرمایه فرهنگی را از راه کاربرد آن به طریق معقول و رسمی، به نوعی سرمایه اقتصادی تبدیل نماید. سرمایه فرهنگی نهاده شده، با قانون و مقررات نهاده شده، حاصل می‌شود و برای دارنده آن پایگاه اجتماعی ایجاد می‌کند. این بُعد سرمایه فرهنگی، به کمک ضوابط اجتماعی و به دست آوردن عنوان‌هایی مانند: مدارک تحصیلی، تصدیق حرفه و کار برای افراد دارنده آن کسب موقعیت می‌کند. این سرمایه، قابل انتقال و واگذاری نمی‌باشد و به دست آوردن آن برای افراد، به شرایط معینی بستگی دارد (پاتنام و کلمن، ۱۳۸۴: ۱۴۲). بنابراین نظریه بوردیو به عنوان چارچوب نظری پژوهش می‌باشد که پرسشنامه براساس آن طرح‌ریزی شده است.

سؤالات پژوهش

آیا پایگاه اقتصادی - اجتماعی با میزان سرمایه فرهنگی (تجسم یافته، عینیت یافته و نهاده شده) رابطه معناداری خواهد داشت؟
آیا متغیرهای جمعیت‌شناختی (سن، جنس، شهر محل سکونت، قومیت) با میزان سرمایه فرهنگی (تجسم یافته، عینیت یافته و نهاده شده) رابطه معناداری خواهد داشت؟

فرضیات پژوهش

به نظر می‌رسد بین پایگاه اقتصادی - اجتماعی و سرمایه فرهنگی (تجسم یافته، عینیت یافته و نهاده شده) رابطه معناداری وجود دارد.

به نظر می‌رسد بین متغیرهای جمعیت‌شناختی (سن، جنس، شهر محل سکونت، قومیت) و سرمایه فرهنگی (تجسم‌یافته، عینیت‌یافته و نهادینه‌شده) رابطه معناداری وجود دارد.

روش‌شناسی پژوهش

مطالعه حاضر از نوع پژوهش توصیفی-تحلیلی با رویکرد پیمایشی است و با توجه به هدف این تحقیق که بررسی تأثیر متغیرهای زمینه‌ای بر سرمایه فرهنگی است، سعی دارد سهم هر کدام از عوامل جمعیت‌شناختی (سن، جنسیت، شهر محل سکونت، قومیت و پایگاه اقتصادی-اجتماعی) در سرمایه فرهنگی را با بهره‌گیری از روش پیمایشی به‌دست آورد. جامعه آماری این تحقیق شامل شهروندان ۱۸ سال به بالای سه شهر بجنورد، اسفراین و شیروان است که در زمان انجام پژوهش با استناد به سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵ در خراسان شمالی دفتر آمار و اطلاعات سازمان برنامه‌وبودجه، جمعیت کل شهرهای بجنورد، شیروان و اسفراین ۵۹۰۶۹۱ نفر اعلام شده‌است. در این پژوهش برای تعیین حجم نمونه، از جدول مورگان استفاده شده‌است که با توجه به محاسبات انجام‌شده طبق جدول مورگان، حجم نمونه به‌دست‌آمده برابر ۴۱۲ می‌باشد. روش نمونه‌گیری در پژوهش فوق، روش نمونه‌گیری هدفمند و تلفیقی است که شامل شیوه نمونه‌گیری طبقه‌ای برحسب معیارهای جمعیت‌شناختی، تصادفی ساده و خوشه‌ای چندمرحله‌ای است. در ابتدا با بهره‌گیری از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای، با توجه به جمعیت هر یک از شهرهای بجنورد، شیروان و اسفراین، تعداد نمونه انتخاب شده‌است. با توجه به فرمول کوکران و جدول مورگان مشخص شد که در هر شهر به نسبت جمعیت چه تعداد پرسشنامه باید پخش شود؛ پس از آن، از بین مناطق هر شهر به تفکیک، چند محله انتخاب شد و سپس، از آن محلات، تعدادی بلوک (خیابان) برگزیده و از درون آن بلوک‌ها، کوچه‌هایی و سپس خانه‌هایی انتخاب شد. در هر خانه اگر فردی با شرایط سنی مورد نظر در تحقیق، حاضر به پاسخگویی بود، پرسشنامه در اختیار وی قرار می‌گرفت. در این پژوهش برای سنجش میزان پایایی پرسشنامه نیز آلفای

کروناخ به دست آمده است. در نهایت داده‌های پژوهش، پس از جمع‌آوری به کمک نرم‌افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

برای سنجش متغیر سرمایه فرهنگی از پرسشنامه استاندارد بورديو استفاده شد. بورديو سرمایه فرهنگی را طبق جدول ۱ به سه بُعد سرمایه فرهنگی عینیت‌یافته (مالکیت کالاها و وسایل الکترونیک، مالکیت امور مربوط به هنر، دسترسی به فضای مجازی)، سرمایه فرهنگی تجسم‌یافته (فعالیت‌های بصری، مطالعاتی و تفریح و سرگرمی) و سرمایه فرهنگی نهادینه‌شده (مدارک و مدارج تحصیلی و علمی) دسته‌بندی می‌کند. به‌طور کلی برای سنجش سرمایه فرهنگی فرد از منظر بورديو، سؤالاتی درباره بازدید از موزه و بناهای تاریخی و گالری‌های هنری، مطالعه کتب ادبیات کلاسیک، رفتن به سینما و تئاتر و همچنین میزان توانمندی و مهارت در شعر، نقاشی، خطاطی و نویسندگی، موسیقی، سینما و تئاتر، داشتن مدارج علمی و مدارک تحصیلی از پاسخگویان پرسیده شد. میزان سرمایه فرهنگی پاسخگویان در مقاله حاضر با استفاده از ۳۵ گویه با سطح سنجش ترتیبی در قالب طیف ۵ قسمتی لیکرت از "کاملاً موافقم" تا "کاملاً مخالفم" مورد سنجش قرار گرفت. در این مقاله از اعتبار صوری و محتوایی برای تعیین روایی این پرسشنامه استفاده شده است. در پژوهش‌های پیشین نیز گرامی (۱۳۹۱)، اسماعیلی (۱۳۹۱)، خیری (۱۳۹۵) و... برای سنجش سرمایه فرهنگی از پرسشنامه استاندارد بورديو استفاده کرده‌اند. ضریب آلفا در هر یک از تحقیقات پیشین به ترتیب ۸/۵، ۷، ۷/۵، ۶/۵ گزارش شده است. در این پژوهش نیز ضریب آلفای کروناخ گویه‌های مربوط به ابعاد سرمایه فرهنگی ۰/۹۳ به دست آمد که نشان‌دهنده همبستگی درونی بالای گویه‌ها در این پرسشنامه است.

جدول (۱) ابعاد سرمایه فرهنگی

شاخص‌های سرمایه فرهنگی	ابعاد سرمایه فرهنگی	
_ مالکیت وسایل و کالاهای الکترونیک _ مالکیت امور مربوط به مطالعه _ مالکیت امور مربوط به هنر	سرمایه فرهنگی عینیت‌یافته	سرمایه فرهنگی
_ فعالیت‌های بصری _ تفریح و سرگرمی _ فعالیت‌های مطالعاتی	سرمایه فرهنگی تجسم‌یافته	
_ مدارک و مدارج تحصیلی و علمی و فرهنگی	سرمایه فرهنگی نهادینه‌شده	

(Bourdieu, 1984: 112)

پایگاه اقتصادی - اجتماعی

به‌عنوان جایگاه فرد برحسب میزان بهره‌مندی از سرمایه اقتصادی و اجتماعی به صورت یک شاخص ترکیبی از معرف‌های ثروت و منزلت شغلی، مورد سنجش قرار گرفته‌است. در این پژوهش پایگاه اقتصادی - اجتماعی شهروندان با ۵ گویه مربوط به تحصیلات پاسخگو، تحصیلات پدر و مادر پاسخگو، شغل و درآمد مورد سنجش قرار گرفته است (کاظمی‌پور، ۱۳۷۸: ۸۵).

یافته‌های پژوهش

الف. سیمای جمعیت‌شناختی

جدول ۲) آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

شاخص	وضعیت
سن	۳۰/۱٪ در گروه سنی ۱۸-۲۵ سال، ۲۳/۵٪ بین ۲۶-۳۳ سال، ۲۳/۵٪ بین ۳۴-۴۱ سال، ۱۸٪ در گروه سنی ۴۲-۴۹ سال، ۳/۲٪ ۵۰ سال و بالاتر
جنسیت	۴۶/۶٪ مرد، ۵۳/۲٪ زن
تحصیلات	۵/۳٪ بی‌سواد، ۲۳/۱٪ زیر دیپلم، ۳۵/۷٪ دیپلم، ۲۹/۶٪ کارشناسی، ۰/۵٪ کارشناسی ارشد و بالاتر
درآمد	۶۷/۷٪ کمتر از دو میلیون، ۲۲/۸٪ بین دو-چهار میلیون، ۶/۳٪ بین چهار-شش میلیون، ۰/۸٪ بیش از شش میلیون
شغل	۴۳/۴٪ آزاد، ۱۹/۷٪ کارمند، ۱۵/۸٪ محصل، ۲۱/۱٪ بیکار
شهر سکونت	۵۱/۹٪ بجنورد، ۲۱/۸٪ اسفراین، ۲۵/۵٪ شیروان
قومیت	۲۵/۲٪ پارسی، ۴۴/۴٪ کُرد کرمانج، ۲۰/۱٪ تُرک، ۴/۱٪ ترکمن، ۵/۶٪ سایر اقوام

از بین ۴۱۲ نفر پاسخگو، ۱۹۲ نفر (۴۶/۶٪) مرد و ۲۱۹ نفر (۵۳/۲٪) زن، مورد پژوهش قرار گرفتند. یک نفر نیز به این سؤال پاسخ نداده‌است. یافته‌ها بیانگر این است که بیشترین تعداد پاسخگویان ۱۴۷ نفر (۳۵/۷٪) دارای تحصیلات دیپلم می‌باشند و کمترین میزان فراوانی مربوط به بی‌سوادان با (۵/۳٪) می‌باشد. از بین ۴۱۲ نفر پاسخگو، تنها دو نفر به این سؤال پاسخ نداده‌اند. همچنین بیشترین میزان تحصیلات با فراوانی ۲۳۱ نفر (۵۶/۱٪) مربوط به گزینه بی‌سواد می‌باشد؛ نیز آمارها نشان می‌دهد که تنها ۲ نفر (۰/۵٪) از ۴۱۲ نفر پاسخگو، دارای تحصیلات کارشناسی ارشد و بالاتر هستند. آمارها نشان‌دهنده این است که بیشترین فراوانی ۲۰۰ نفر (۴۸/۵٪) از پدر پاسخگویان بی‌سواد هستند. همچنین باتوجه به جدول می‌توان گفت از بین ۴۱۲ نفر پاسخگو، تنها ۲ نفر (۰/۵٪) از پدر پاسخگویان دارای تحصیلات کارشناسی ارشد و بالاتر هستند. باتوجه به آمارهای به‌دست‌آمده می‌توان گفت بیشترین فراوانی ۲۷۹ نفر (۶۷/۷٪) مربوط

به درآمد کمتر از دومیلیون می‌باشد؛ از این تعداد تنها ۱۰ نفر (۲/۴٪) دارای درآمد بیش از شش میلیون است. آمارها نشان می‌دهد که سه نفر از پاسخگویان نیز به این سؤال پاسخ نداده‌اند. داده‌های موجود نشان می‌دهد که از بین افراد مورد مطالعه، بیشترین تعداد، ۱۷۹ نفر (۴۳/۴٪)، دارای مشاغل آزاد هستند. کمترین میزان فراوانی، ۸۱ نفر (۱۵/۸٪) نیز مربوط به دانش‌آموزان است. همچنین لازم به ذکر است که دسته‌بندی بیکار شامل افراد خانه‌دار، سرباز و بیکار می‌باشد که دارای شغل و حقوق نیستند. نتایج مبین این است که از بین شرکت‌کنندگان، بیشترین تعداد، ۲۱۴ نفر (۵۱/۹٪)، ساکن بجنورد، ۹۰ نفر (۲۱/۸٪) ساکن اسفراین و ۱۰۵ نفر (۲۵/۵٪) ساکن شیروان بوده‌اند. از بین آزمودنی‌ها، ۳ نفر محل سکونت خود را گزارش نکرده‌اند. علاوه‌برآن، بیشترین فراوانی، ۱۸۳ نفر (۴۴/۴٪)، مربوط به قومیت کردهای کرمانج است. همچنین پارسی‌ها با فراوانی ۱۰۴ نفر (۲۵/۲٪) و ترک‌زبان‌ها با تعداد ۸۳ نفر (۲۰/۱٪) به ترتیب رتبه دوم و سوم از نظر بیشترین میزان فراوانی را به خود اختصاص داده‌اند. کمترین میزان فراوانی ۱۷ نفر (۴/۱٪) متعلق به ترکمن‌ها است. تنها ۲ نفر از بین ۴۱۲ آزمودنی، قومیت خود را عنوان نکرده‌اند. نتایج مبین این نکته است که بیشتر پاسخگویان، ۱۲۷ نفر (۳۰/۸٪)، در گروه سنی ۱۸-۲۵ سال قرار می‌گیرند؛ همچنین کمترین میزان فراوانی، ۱۳ نفر (۳/۲٪)، متعلق به گروه سنی ۵۰ سال به بالا می‌باشد. تنها ۴ نفر (۱٪) از پاسخگویان، سن خود را بیان نکرده‌اند.

ب. یافته‌های توصیفی پژوهش

جدول ۳) یافته‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

مقیاس‌ها	میانگین	انحراف معیار	واریانس	حداقل نمره	حداکثر نمره	تعداد
سرمایه فرهنگی	۳/۴۱	۱/۱۲	۱/۲۶	۱	۵	۴۱۲
تجسم یافته	۳/۴۳	۱/۱۰	۱/۲۲	۱	۵	۴۱۲
عینیت یافته	۳/۰۷	۱/۰۹	۱/۲۱	۱	۵	۴۱۲
نهادینه شده	۲/۰۱	۱/۰۲	۱/۰۴	۱	۵	۴۱۲
پایگاه اقتصادی اجتماعی	۲/۳۶	۰/۹۴	۰/۸۸	۱	۵	۴۱۲

با توجه به اطلاعات به دست آمده در جدول ۳ و همچنین مقدار میانگین به دست آمده می‌توان به این نتیجه رسید که سرمایه فرهنگی در بین شهروندان سه شهرستان بجنورد، اسفراین و شیروان در سطح بالایی قرار دارد. همچنین میانگین هریک از شاخص‌های سرمایه فرهنگی را نیز محاسبه کردیم؛ همان‌گونه که از جدول فوق ملاحظه می‌شود سرمایه فرهنگی تجسم یافته که مربوط به مهارت‌های فردی و سرگرمی است در بین پاسخگویان در سطح بالایی قرار دارد؛ اما سرمایه فرهنگی عینیت یافته که نشان‌دهنده مالکیت امور هنری و... است، در سطح متوسط به بالا قرار دارد. علاوه بر آن، سرمایه فرهنگی نهادینه شده که مربوط به مدارج تحصیلی است، در سطح پایینی قرار دارد و توزیع فراوانی تحصیلات پاسخگویان و والدین آن‌ها نیز تأییدکننده این نتیجه می‌باشد.

با توجه به اطلاعات به دست آمده در جدول فوق و همچنین مقدار میانگین به دست آمده می‌توان به این نتیجه رسید که پایگاه اقتصادی- اجتماعی در بین شهروندان سه شهرستان بجنورد، اسفراین و شیروان در سطح متوسط به بالایی قرار دارد؛ بدین معنا که پاسخگویان از دارائی و منزلت اجتماعی متوسطی برخوردار هستند. باتوجه به میزان حداقل و حداکثر نمره، پایگاه اقتصادی- اجتماعی را می‌توان در سه طیف پایین، متوسط و بالا دسته‌بندی کرد. از آن‌جا که میانگین پایگاه اقتصادی- اجتماعی (۲/۳۶) بین اعداد ۲- ۳ قرار دارد، با استناد به آزمون و

میانگین به‌دست‌آمده؛ می‌توان گفت پایگاه اقتصادی- اجتماعی آزمودنی‌ها در سطح متوسط رو به بالایی قرار دارد.

آزمون نرمال بودن داده‌ها

جدول (۴) محاسبه کشیدگی و چولگی متغیرها

مقدار کشیدگی		چولگی		تعداد	متغیرها
ضریب غیر استاندارد	ضریب استاندارد	ضریب غیر استاندارد	ضریب استاندارد		
۰/۲۴۲	-۰/۱۱۶	۰/۱۲۱	۰/۵۷۱	۴۱۲	تجسم‌یافته
۰/۲۴۵	-۰/۶۱۵	۰/۱۲۳	-۰/۳۹۲	۴۱۲	عینیت‌یافته
۰/۲۴۷	-۰/۷۶۴	۰/۱۲۴	۰/۰۷۲	۴۱۲	نهادینه‌شده
۰/۲۵۳	-۰/۷۶۰	۰/۱۲۷	-۰/۱۹۱	۴۱۲	سرمایه فرهنگی

اگر مقدار چولگی (کجی) و کشیدگی (ارتفاع یک توزیع) داده‌ها در دامنه (۲- و ۲) قرار داشته باشد؛ داده‌ها از توزیع نرمال برخوردارند؛ در نتیجه با توجه به مقدار چولگی به‌دست‌آمده که در دامنه (۲- و ۲) قرار دارد می‌توان گفت داده‌ها نرمال هستند (جدول ۴).

جدول (۵) آزمون کولموگروف- اسمیرنوف

متغیر	میانگین	انحراف استاندارد	وضعیت آزمون کولموگروف اسمیرنوف	سطح معناداری
نهادینه‌شده	۶/۴۴	۲/۱۳	۰/۱۳۱	۰/۱۲۰
عینیت‌یافته	۷۷/۷۶	۱۶/۳۸	۰/۰۴۹	۰/۰۴۹
تجسم‌یافته	۵۲/۲۰	۱۰/۷۶	۰/۰۶۸	۰/۰۸۲
سرمایه فرهنگی کل	۱۳۰/۰۰	۲۴/۹۰	۰/۰۵۳	۰/۰۵۵

همان‌گونه که در جدول ۵ مشاهده می‌شود، آزمون کولموگروف اسمیرنوف برای تمام متغیرهای مورد پژوهش معنادار است، که سطح معناداری بیش از ۰/۰۵ تأییدکننده این روابط است. بنابراین متغیرها دارای توزیع نرمالی هستند و می‌توان از تحلیل‌های پارامتریک برای آن استفاده کرد.

ارتباط بین متغیرهای جمعیت‌شناختی و سرمایه فرهنگی

جدول ۶) نتایج آزمون تفاوت میانگین سرمایه فرهنگی بر حسب جنسیت

متغیر	جنسیت	میانگین	انحراف معیار	مقدار f	سطح معناداری	تأیید یا عدم تأیید
سرمایه فرهنگی	مرد	۳/۴۹	۱/۱۴	۱/۰۲۵	۰/۳۱۲	عدم تأیید
	زن	۳/۳۳	۱/۱۱			
تجسم یافته	مرد	۳/۴۹	۱/۱۵	۲/۹۷۸	۰/۰۸۵	عدم تأیید
	زن	۳/۳۸	۱/۰۶			
عینیت یافته	مرد	۳/۱۸	۱/۰۷	۰/۰۹۰	۰/۷۶۴	عدم تأیید
	زن	۲/۹۷	۱/۱۲			
نهادینه شده	مرد	۱/۹۹	۱/۰۴	۰/۳۷۶	۰/۵۴۰	عدم تأیید
	زن	۲/۰۴	۰/۹۹			

با توجه به اینکه سطح معناداری به دست آمده، از سطح معناداری پذیرفته شده (۰/۰۵) بیشتر است، می‌توان گفت بین سرمایه فرهنگی و شاخص‌های آن بر حسب جنسیت رابطه معناداری وجود ندارد؛ بنابراین فرضیه (H₁) مبتنی بر وجود رابطه بین جنسیت و سرمایه فرهنگی رد می‌شود که این امر ناشی از مصرف روزافزون کالاهای فرهنگی و جنسیت‌زد شدن کالاهای مصرفی به دلیل دسترسی آسان، کم‌هزینه بودن، جهانی شدن و تحرک اجتماعی است (جدول ۶).

جدول (۷) نتایج آزمون آنالیز واریانس یک‌طرفه تفاوت سرمایه فرهنگی برحسب قومیت

متغیر	طبقات	میانگین	انحراف معیار	مقدار F	سطح معناداری	تأیید یا عدم تأیید
سرمایه فرهنگی	پارسی	۲/۰۰	۱/۰۰	۲/۰۱۰	۰/۰۹۲	عدم تأیید
	گردهای کرمانج	۲/۱۱	۱/۱۳			
	تُرک	۲/۳۲	۰/۹۷			
	ترکمن	۲/۳۲	۱/۱۷			
	سایر	۱/۹۸	۰/۷۹			
تجسم‌یافته	پارسی	۲/۲۱	۱/۰۵	۲/۱۴۵	۰/۰۷۵	عدم تأیید
	گردهای کرمانج	۲/۰۷	۰/۹۸			
	تُرک	۲/۳۵	۱/۱۱			
	ترکمن	۲/۲۷	۱/۱۲			
	سایر	۱/۹۸	۰/۸۳			
عینیت‌یافته	پارسی	۲/۰۴	۰/۹۱	۰/۱۶۵۶	۰/۱۶۳۲	عدم تأیید
	گردهای کرمانج	۲/۲۸	۱/۰۶			
	تُرک	۲/۲۱	۱/۱۳			
	ترکمن	۲/۲۲	۱/۰۵			
	سایر	۲/۰۲	۰/۷۷			
نهادینه‌شده	پارسی	۲/۲۱	۰/۸۷	۱/۱۰۲	۰/۳۵۵	عدم تأیید
	گردهای کرمانج	۲/۲۹	۱/۰۸			
	تُرک	۲/۰۴	۱/۱۵			
	ترکمن	۲/۰۶	۱/۲۷			
	سایر	۲/۵۷	۱/۴۰			

با توجه به مقدار $F(2/010)$ و سطح معناداری ($sig=0/092$)، میانگین سرمایه فرهنگی در بین قومیت‌های پارسی، تُرک، گُرد کرمانج، ترکمن و... از لحاظ آماری تفاوت معناداری ندارد.

همچنین یافته‌ها مبین این است که بین ابعاد سرمایه فرهنگی تجسم‌یافته، عینیت‌یافته و نهادینه - شده با قومیت رابطه معناداری وجود ندارد؛ به عبارت بهتر میزان سرمایه فرهنگی افراد مورد مطالعه، متأثر از قومیت نیست (جدول ۷).

جدول ۸) نتایج آزمون آنالیز واریانس یکطرفه تفاوت سرمایه فرهنگی برحسب شهر محل سکونت

متغیر	طبقات	میانگین	انحراف معیار	مقدار F	سطح معناداری	تأیید یا عدم تأیید
سرمایه فرهنگی	بجنورد	۱۲۳/۶۷	۲۴/۰۴	۲۵/۲۶۱	۰/۰۰۰	تأیید
	شیروان	۱۳۰/۰۱	۲۱/۳۴			
	اسفراین	۱۴۵/۲۷	۲۵/۵۱			
تجسم‌یافته	بجنورد	۷۰/۵۱	۱۴/۹۰	۲۷/۲۸۵	۰/۰۰۰	تأیید
	شیروان	۷۳/۹۰	۱۳/۲۰			
	اسفراین	۸۴/۰۴	۱۴/۹۲			
عینیت‌یافته	بجنورد	۵۰/۲۸	۱۰/۶۵	۱۲/۲۶۳	۰/۰۰۰	تأیید
	شیروان	۵۲/۰۴	۹/۵۹			
	اسفراین	۵۶/۹۲	۱۱/۴۶			
نهادینه شده	بجنورد	۶/۴۷	۲/۲۰	۰/۱۲۱	۰/۸۸۶	عدم تأیید
	شیروان	۶/۴۶	۲/۱۰			
	اسفراین	۶/۳۴	۲/۱۱			

جدول ۸، نتایج آزمون آنالیز واریانس یکطرفه تفاوت سرمایه فرهنگی و ابعاد آن، برحسب شهر محل سکونت پاسخگویان را نشان می‌دهد. با توجه به مقدار $F(25/261)$ و سطح معناداری ($sig=0/000$)، میانگین سرمایه فرهنگی در بین شهرهای بجنورد، شیروان و اسفراین متفاوت است؛ به طوری که شهروندان ساکن شهر اسفراین سرمایه فرهنگی بالاتری نسبت به شهرهای بجنورد و شیروان دارند. همچنین بررسی رابطه شاخص‌های سرمایه فرهنگی با شهر محل سکونت نشان داد که افراد ساکن در شهر اسفراین از سرمایه فرهنگی تجسم‌یافته و عینیت‌یافته بالاتری نسبت به سایر شهرهای مورد مطالعه برخوردارند. علاوه بر آن، سطح معناداری به دست آمده ($0/886$) بیانگر این است که بین سرمایه فرهنگی نهادینه‌شده و محل سکونت رابطه معناداری

وجود ندارد. بنابراین فرض (H1) مبتنی بر اینکه بین دو متغیر شهر محل سکونت و ابعاد سرمایه فرهنگی رابطه معنادار وجود دارد، تأیید می‌شود.

جدول ۹) نتایج آزمون اسپیرمن رابطه سن با سرمایه فرهنگی

گروه سنی				متغیر
تأیید یا عدم تأیید	جهت رابطه	ضریب همبستگی	سطح معناداری	
تأیید	مثبت	۰/۲۱۱**	۰/۰۰۰	سرمایه فرهنگی
تأیید	مثبت	۰/۱۳۹**	۰/۰۰۵	تجسم‌یافته
تأیید	مثبت	۰/۳۴۵**	۰/۰۰۰	عینیت‌یافته
تأیید	معکوس	-۰/۳۰۵**	۰/۰۰۰	نهادینه‌شده

باتوجه به سطح معناداری به‌دست‌آمده که از سطح خطای پذیرفته‌شده (۰/۰۵) کمتر است؛ می‌توان گفت بین متغیر سن و سرمایه فرهنگی و ابعاد آن رابطه معناداری وجود دارد. با استناد به جدول ۹ می‌توان اظهار داشت بین سرمایه فرهنگی تجسم‌یافته و عینیت‌یافته با سن، رابطه مثبت و معنادار قوی‌ای وجود دارد؛ اما رابطه بین سرمایه فرهنگی نهادینه‌شده و سن معکوس است.

جدول ۱۰) نتایج آزمون اسپیرمن رابطه پایگاه اقتصادی- اجتماعی با سرمایه فرهنگی

پایگاه اقتصادی- اجتماعی				متغیر
تأیید یا عدم تأیید	جهت رابطه	ضریب همبستگی	سطح معناداری	
تأیید	مثبت	۰/۱۳۲**	۰/۰۰۷	سرمایه فرهنگی
عدم تأیید	معکوس	-۰/۰۷۳	۰/۱۴۰	تجسم‌یافته
تأیید	مثبت	۰/۱۴۲**	۰/۰۰۴	عینیت‌یافته
تأیید	مثبت	۰/۴۶۴**	۰/۰۰۰	نهادینه‌شده

با توجه به سطح معناداری به دست آمده در جدول ۱۰ که از سطح خطای پذیرفته شده (۰/۰۵) کمتر است؛ می توان گفت بین متغیر پایگاه اقتصادی - اجتماعی با سرمایه فرهنگی و دو بُعد سرمایه فرهنگی عینیت یافته و نهادینه شده ساکنان حاشیه شهرهای بجنورد، اسفراین و شیروان رابطه معنی داری در سطح ضعیفی وجود دارد؛ بدین معنا که منزلت اجتماعی افراد تعیین کننده میزان سرمایه فرهنگی عینیت یافته و نهادینه شده پاسخگویان می باشد. به عبارت بهتر میزان سرمایه فرهنگی عینیت یافته و نهادینه شده در بین افراد مورد مطالعه، متأثر از پایگاه اقتصادی - اجتماعی آن ها می باشد. ضریب همبستگی نشان داد که همبستگی بین پایگاه اقتصادی - اجتماعی با ابعاد سرمایه فرهنگی، علی رغم معنادار بودن، در سطح ضعیف و پایینی قرار دارد. علاوه بر آن، سطح معناداری به دست آمده (۰/۱۴۰) مبین این است که پایگاه اقتصادی - اجتماعی بر سرمایه فرهنگی تجسم یافته که مربوط به فعالیت ها و سرگرمی است، تأثیر گذار نمی باشد.

بحث و نتیجه گیری

هدف از انجام پژوهش حاضر، بررسی تأثیر متغیرهای جمعیت شناختی بر میزان سرمایه فرهنگی و ابعاد آن است. یافته های توصیفی بیانگر سطح بالای سرمایه فرهنگی در بین حاشیه نشینان شهرهای بجنورد، اسفراین و شیروان بوده است.

در مورد متغیر سرمایه فرهنگی نیز از چارچوب نظری پیر بوردیو استفاده شد. بوردیو در ارائه نظریه طبقات اجتماعی خود سهم قابل توجهی را به سرمایه فرهنگی اختصاص داده است (شامپاین، ۱۳۹۱: ۳۳). از منظر بوردیو نظام های نمادین به طور هم زمان سه کارکرد مرتبط اما مجزا را انجام می دهند؛ این کارکردها شامل شناخت، ارتباط و تمایز اجتماعی است (بوردیو، ۱۳۹۳: ۴۲). در این پژوهش با توجه به اینکه به سنجش رابطه سرمایه فرهنگی با متغیرهایی نظیر پایگاه اقتصادی - اجتماعی و سایر متغیرهای دموگرافیک اشاره شده است، تمرکز بر بُعد سوم؛ یعنی تمایز اجتماعی می باشد. بنابراین نظام های نمادین وسیله ای برای سلطه هستند.

با توجه به نتایج آزمون تی می‌توان گفت بین جنسیت و سرمایه فرهنگی و شاخص‌های آن رابطه معناداری وجود ندارد. با توجه به آماره‌های به دست آمده می‌توان تحلیل کرد که جهانی شدن و افزایش وسایل ارتباطی نوین سبب افزایش مصرف کالاهای فرهنگی شده است؛ همچنین در دسترس بودن موسیقی سبب جنسیت‌زد شدن این کالای فرهنگی شده است. همچنین امروزه مردانگی و زنانگی را نمی‌توان با ملاک‌های داوری پیشین سنجید؛ چراکه در جوامع پیشرفته، زنان به افق‌های جدیدی دست یافته‌اند؛ همچنین دسترسی به منابع فرهنگی نظیر کتاب، موسیقی، شعر، تئاتر و... برای زنان و مردان برابر است. در نتیجه جنسیت عامل تعیین‌کننده‌ای برای مصرف کالای فرهنگی نیست. علاوه بر آن طبق نظریه سلیقه‌های مصرفی زیمل می‌توان گفت زنان در آغاز راه برابرخواهی در جستجوی ارتقای موقعیت اجتماعی خویش با برگزیدن الگوهای مصرفی فرهنگی توانستند به این ارتقا دست یابند. بنابراین این موضوع می‌تواند دال بر برابری جنسیتی در ایران، حداقل از منظر مصرف کالای فرهنگی باشد. نتایج پژوهش حاجی‌زاده و رضوی دینانی (۱۳۹۵) با نتایج پژوهش فوق همسو می‌باشد. همچنین نتایج نشان‌دهنده عدم وجود تفاوت معنادار بین میانگین سرمایه فرهنگی و شاخص‌های سه‌گانه آن بر حسب قومیت است؛ به عبارتی بهتر، قومیت نقشی در کاهش یا افزایش میزان سرمایه فرهنگی شهروندان ساکن در شهرهای بجنورد، شیروان و اسفراین ندارد.

نتایج آزمون پیرسون برای سنجش رابطه گروه سنی و سرمایه فرهنگی و ابعاد آن نشان داد که بین سن و دو بُعد سرمایه فرهنگی تجسم‌یافته و عینیت‌یافته رابطه مثبت و معناداری وجود دارد؛ بدین معنا که با افزایش سن، سرمایه فرهنگی فرد در بعد مالکیت وسایل و کالاهای فرهنگی و همچنین فعالیت‌ها و مشغولیت فرد به کارهای هنری نظیر خطاطی، خوشنویسی و ... افزایش می‌یابد؛ اما با استناد به آماره‌های به دست آمده می‌توان گفت، با افزایش سن، سرمایه فرهنگی نهادینه شده که مربوط به مدارک تحصیلی و مدارج علمی است، کاهش می‌یابد.

همچنین یکی دیگر از اهداف پژوهش حاضر مقایسه میزان سرمایه فرهنگی و شاخص‌های آن در بین سه شهر بجنورد، شیروان و اسفراین بود. نتایج آزمون تحلیل واریانس یک‌طرفه نشان داد

که سرمایه فرهنگی تجسم یافته و عینیت یافته در بین شهرهای مختلف، تفاوت معناداری دارد؛ بدین معنایکه میزان سرمایه فرهنگی تجسم یافته و عینیت یافته در بین ساکنان اسفراین بیش از دو شهر بجنورد و شیروان است. با توجه به سطح معناداری به دست آمده (۰/۸۸۶) می توان این گونه استدلال کرد که بین سرمایه فرهنگی نهادینه شده و شهر محل سکونت از لحاظ آماری، رابطه معناداری وجود ندارد.

با توجه به سطح معناداری به دست آمده که از سطح خطای پذیرفته شده (۰/۰۵) کمتر است؛ می توان گفت بین متغیر پایگاه اقتصادی - اجتماعی با سرمایه فرهنگی و دو بُعد سرمایه فرهنگی عینیت یافته و نهادینه شده ساکنان حاشیه شهرهای بجنورد، اسفراین و شیروان رابطه معنی داری وجود دارد؛ بدین معنایکه میزان سرمایه فرهنگی عینیت یافته و نهادینه شده در بین افراد مورد مطالعه، متأثر از پایگاه اقتصادی - اجتماعی آنها است. نتایج پژوهش حاضر با مطالعات فائق و باینگانی (۱۳۹۵)، پناهی و امیدی (۱۳۹۱)، کارکنان نصرآبادی و دیگران (۱۳۹۱) و داون (Dunn, 2008) مبتنی بر رابطه سرمایه فرهنگی و پایگاه اقتصادی - اجتماعی همسو است. سرمایه فرهنگی عینیت یافته مربوط به مالکیت امور هنری و سرمایه فرهنگی نهادینه شده نیز بیانگر مدارج علمی و تحصیلی است که این دو پارامتر متأثر از درآمد و طبقه اقتصادی فرد است؛ بنابراین انتظار می رفت که درآمد، شغل و تحصیلات به عنوان شاخص های پایگاه اقتصادی - اجتماعی، تبیین کننده سرمایه فرهنگی باشند. طبقات بالا و افراد دارای منزلت اجتماعی فقط امکانات اقتصادی در اختیار ندارند؛ بلکه سرمایه غیر اقتصادی و به طور خاص سرمایه فرهنگی را نیز در اختیار دارند؛ ناظر بر مسأله فوق می توان گفت سرمایه فرهنگی به عنوان برخورداری از فرهنگ پایگاه های اقتصادی - اجتماعی، گرایش ها و انگاره ها در نظر گرفته می شود که اغلب با سازوکارهای مهم بازتولید سلسله مراتب اجتماعی پیوند می یابد (Hayse, 2004).

همچنین نتایج نشان داد بین سرمایه فرهنگی تجسم یافته و پایگاه اقتصادی - اجتماعی از لحاظ آماری، رابطه وجود ندارد. امروزه به دلیل جهانی شدن و فراگیر شدن کالاهای فرهنگی، راحت تر و کم هزینه بودن کالاهای هنری و پیشرفت تکنولوژی، امکان دسترسی به هر نوع کالای فرهنگی

برای افراد جامعه میسر شده و سبب درهم شکستن مرزهای مرسوم در این حیطه شده‌است. تحرک اجتماعی، فراطبقاتی شدن مصرف و همچنین مصرف کالاهای فرهنگی به‌عنوان بخشی از سبک زندگی مصرفی، سبب شده تا عواملی مثل درآمد، شغل، تحصیلات و... در تعیین مصرف کالاهای فرهنگی نقش چندانی نداشته باشند. بنابراین سرمایه فرهنگی تجسم‌یافته که دربرگیرنده فعالیت بصری، تفریح و سرگرمی است، متأثر از پایگاه اقتصادی- اجتماعی افراد نیست؛ چراکه کالاهای فرهنگی به‌وفور در جامعه وجود دارد و برای استفاده کردن و مصرف کالاهای فرهنگی، نیاز به صرف هزینه گزاف نیست.

منابع

- ابراهیمی، قربانعلی؛ و دیگران (۱۳۹۶). "بررسی تأثیر سرمایه فرهنگی بر اعتماد اجتماعی (مطالعه موردی: شهروندان ۱۸ سال و بالاتر شهر تهران)". *جامعه‌شناسی مطالعات جوانان*، دوره ششم، ش ۲۱ (بهار): ۴۴-۲۵.
- اسماعیلی، نجمه (۱۳۹۱). "بررسی رابطه سرمایه فرهنگی و سبک زندگی زنان (مورد مطالعه: زنان متأهل شهر شیراز)". *پایان‌نامه کارشناسی ارشد مطالعات زنان*، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبایی.
- بوردیو، پیر (۱۳۸۰). *نظریه کنش: دلایل عملی و انتخاب عقلانی*. ترجمه مرتضی مردی‌ها. تهران: نقش و نگار.
- _____ (۱۳۹۰). *تمایز، قضاوت‌های ذوقی*. ترجمه حسن چاوشیان. تهران: انتشارات ثالث.
- _____ (۱۳۸۴). *شکل‌های سرمایه*. گردآورنده کیان تاجبخش، ترجمه افشین خاکباز و حسن پویان. تهران: شیرازه.
- _____ (۱۳۹۳). *تمایز: نقد اجتماعی قضاوت‌های ذوقی*. ترجمه حسین چاوشیان. تهران: ثالث.
- پاتنام، رابرت؛ کلمن، جیمز (۱۳۸۴). *سرمایه اجتماعی: اعتماد، دموکراسی و توسعه*. ترجمه افشین خاکباز و حسن پویان. تهران: شیرازه.
- پناهی، حسین؛ امیدی، مهدی (۱۳۹۱). "رابطه پایگاه اقتصادی-اجتماعی با سرمایه فرهنگی (مورد مطالعه: شهر تهران)". *فصلنامه تخصصی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر*، سال ششم، ش ۱۷ (تابستان): ۶۶-۳۳.
- تراسبی، دیوید (۱۳۹۱). *اقتصاد و فرهنگ*، ترجمه کاظم فرهادی. تهران: نشر نی.
- جباری، الهه (۱۳۹۸). "بررسی رابطه سرمایه فرهنگی و سرمایه اجتماعی با احساس امنیت زنان شهر سمنان". *پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم اجتماعی*، دانشگاه پیام نور استان تهران، مرکز پیام نور تهران غرب.

- حاجی‌زاده، رویا؛ رضوی دینانی، ابتسام (۱۳۹۵). "مصرف کالاهای فرهنگی و عوامل مؤثر بر آن (مطالعه موردی: جوانان ۱۸ الی ۲۹ ساله شهرستان خوی)". *مطالعات جامعه‌شناسی*، دوره هشتم، ش ۲۹ (زمستان): ۹۳-۱۱۲.
- حسنوند، مهدی (۱۳۹۷). "رابطه بین سرمایه اجتماعی- فرهنگی و احساس امنیت در بین زنان شهرستان خرم‌آباد". *فصلنامه علمی تخصصی دانش انتظامی لرستان*، سال ششم، ش ۳ (پاییز): ۲۷-۵۷.
- خیری، الهام (۱۳۹۵). "بررسی مقایسه‌ای وضعیت توسعه فرهنگی و سرمایه فرهنگی در شهر جدید پرنده و رباط‌کریم". پایان‌نامه کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی و توسعه منطقه‌ای، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبایی.
- روح‌الامینی، محمود (۱۳۹۵). *زمینه فرهنگ‌شناسی*. تهران: دانشگاه پیام‌نور.
- شامپاین، پاتریک (۱۳۹۱). *پیر بردیو، مرور زندگی و آثار*. ترجمه ناهید مؤیدحکمت. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- صالحی امیری، سیدرضا (۱۳۸۶). *مفاهیم و نظریه‌های فرهنگی*. تهران: ققنوس.
- فاضلی، محمد (۱۳۸۲). *مصرف و سبک زندگی*. قم: انتشارات صبح صادق.
- _____؛ و دیگران (۱۳۹۲). "توسعه اجتماعی، شاخص‌ها و جایگاه ایران در جهان". *فصلنامه مطالعات توسعه اجتماعی- فرهنگی*، دوره دوم، ش ۱ (تابستان): ۱۵۹-۱۸۲.
- فائق، سحر؛ باینگانی، بهمن (۱۳۹۵). "سنجش سرمایه فرهنگی طبقات براساس پایگاه اقتصادی-اجتماعی (مطالعه موردی: شهروندان اصفهانی)". *جامعه‌پژوهی فرهنگی*، پژوهشگاه علوم/انسانی و مطالعات فرهنگی، سال هفتم، ش ۳ (پاییز): ۱۲۷-۱۴۸.
- کارکنان نصرآبادی، محمد؛ و دیگران (۱۳۹۱). "بررسی عوامل مؤثر بر سرمایه فرهنگی در شهرستان‌های کاشان و آران و بیدگل". *فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، سال هشتم، ش ۲۷ (تابستان): ۱۴۴-۱۷۰.

- کاظمی پور، شهلا (۱۳۷۸). "الگوی در تعیین پایگاه اجتماعی - اقتصادی افراد و سنجش تحرک اجتماعی با تکیه بر مطالعه موردی در شهر تهران". *نامه علوم اجتماعی*، پیاپی ۱۱۰۹، دوره ۱۴، ش ۱۴ (زمستان): ۱۳۹-۱۷۲.

- گرامی، فتح‌اله (۱۳۹۱). "بررسی رابطه بین سرمایه فرهنگی و منزلت اجتماعی دبیران متوسطه شهر خلخال". پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خلخال.

- Bourdieu, Pierre. (1984). *Distinction: A Social Critique of the Judgment of Taste* Routledge. London: Routledge.

- Dunn, Kestrel (2008). "Cultural Capital, Socio-Economic Class, and Parental Involvement in Indian Children's Educational Experiences", *edul* 170, available in: dkestrel.com/KDunn_IndianChildrenEducationExperiences.pdf.

- Gavereliuc, Dana; Gavereliuc, Alin (2014). "Symbolic capital and cultural dimensions in Romanian educational organizations, Procidia". *Journal social and behavior sciences*, Vol. 127, No. 4: 392-395.

- Hayse, Jessica Ann (2004). *the impact of social and cultural capital*. California State University: Sacramento.

- Khawaja, Marwan; Mowafi, Mona (2006). "Cultural Capital and Self-Rated Health in Low Income Women: Evidence from the Urban Health Study, Beirut, Lebanon". *Journal of Urban Health*, Vol. 83, No. 3: 444-458.

- Weinger, Elliot B.; Lareau, Annette (2006). *Cultural capital in education research: a critical assessment. Theory and Society*. University of Maryland: College Park.